

بسمه تعالی

دادگستری کل استان فارس

شعبه 1 دادگاه کیفری یک استان فارس  
(چهارم کیفری استان سابق)

ابلاغ الکترونیکی

شماره ابلاغیه: [REDACTED]

شماره پرونده: [REDACTED]

شماره بایگانی پرونده: [REDACTED]

تاریخ تنظیم: [REDACTED]

شماره ملی:

نام خانوادگی، افکاری، سنگری

نام

نوع ابلاغیه: ابلاغ دادنامه/قرارتها/تصمیم نهایی

مبنی ابلاغیه:

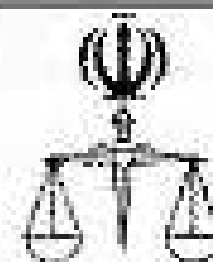
به پیوست یک نسخه دادنامه به شماره [REDACTED] به حضور ارسال می گردد.

کیفیت امر ابلاغ: - ابلاغیه در تاریخ 1398/07/23 به سامانه ابلاغ ارسال گردید.



خبرگزاری هراسانا

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىَٰ أَنْ تَعْبُدُوا»



دادگستری کل استان فارس

شعبه 1 دادگاه کیفری یک استان فارس  
(چهارم کیفری استان سابق)

دادنامه

شماره دادنامه: 2590/1399  
تاریخ تنظیم: 1399/09/01  
شماره پرونده: 1  
شماره بایگایی شعبه: 1

شکات: 1. خانم زهرا تداف زاده شیرازی فرزند منصور به نشانی استان فارس - شیراز - بلوار سیبویه ک 14  
2. خانم سبا ترکمان فرزند حسن 3. خانم مریم کاراندیش فرزند خلیل 4. خانم سوده ترکمان فرزند  
حسن همگی به نشانی استان فارس- بلوار سیبویه- کد پستی 79164- شیراز - بلوار 4 کیسبیا

5. آقای طاهرا ترکمان فرزند حسن به نشانی استان فارس-شهرستان شیراز- بلوار سیبویه- کوچه 14- فرعی  
79164- شیراز - بلوار 4 کیسبیا

6. آقای حسین ترکمان فرزند رحمن به نشانی استان فارس-شهرستان شیراز- کوچه شهدای شهید آقا...


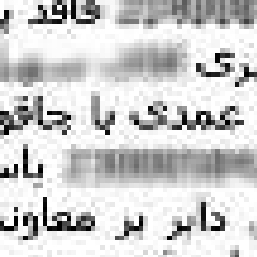
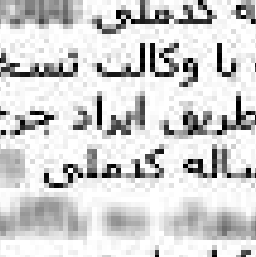
7. آقای رضا ترکمان فرزند حسین به نشانی استان فارس -شیراز - بلوار پاسداران پشت یادگان امام حسین خ  
کامل بعد از تهیه کپی از پرونده

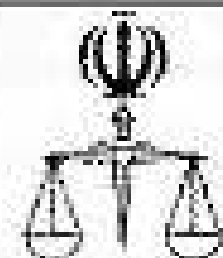
متهمین: 1. آقای نوید افکاری فرزند حسین با وکالت آقای سعید افکاری به نشانی استان فارس-  
شیراز- 2. آقای وحید افکاری سنگری فرزند حسین با وکالت آقای سعید افکاری به نشانی استان فارس-  
نشانی استان فارس-شهرستان شیراز-

اتهام ها: 1. قتل عمدی مسلمان (حسین ترکمان) 2. معاونت در قتل عمدی

گردشکار: به تاریخ فوق در وقت مقرر جلسه شعبه اول دادگاه کیفری یک استان فارس بنصده امضاءکنندگان  
زیر دادگاه با بررسی محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و با استعانت از خداوند متعال و تکیه بر شرف و  
وجدان به شرح زیر مبادرت به صدور رای می نماید.

رای دادگاه:

در خصوص اتهام آقایان 1-نوید افکاری فرزند حسین 25 ساله به کدملی 2590143799 فاقد پیشینه محکومیت  
کیفری باسواد مجرد مسلمان ایرانی تحت قرار بازداشت موقت با وکالت تسخیری  بر  
مباشرت در قتل عمدی مرحوم حسین ترکمان فرزند حسین از طریق ایراد جرح عمدی با چاقو و  
پهلوی سمت چپ 2-وحید افکاری سنگری فرزند حسین 34 ساله کدملی  باسناد  
تحت قرار بازداشت موقت با وکالت تسخیری  دایر بر معاونت  
مرحوم حسین ترکمان با مباشرت وحید افکاری (متهم ردیف اول) از طریق تسهیل وقوع جرم هر دو روزی هوزده  
شکایت اولیاء دم مرحوم حسین ترکمان به اسامی آقای حسین ترکمان پدر مرحوم و خانم مریم کاراندیش مادر



«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىَٰ أَنْ تَعْبُدُوا»

شماره دادنامه: 1397/5/11  
 تاریخ تنظیم: 23/32 دقیقه  
 شماره پرونده: 110  
 شماره بانکین شعبه: 1

شعبه 1 دادگاه کیفری یک استان فارس  
(چهارم کیفری استان سابق)

دادگستری کل استان فارس

دادنامه

و آقای طاهرا ترکمان فرزند و همچنین آقای حسین ترکمان به ولایت قهری فرزندان خردسال مرحوم به اسامی **معمول و سابق** هر دو نفر 12 ساله که حسب گواهی حضر وراثت صادره از قاضی شورای حل اختلاف شیراز به شرح صفحه 232 هویت و سمت ایشان احراز گردیده است. با عنایت به مجموع اوراق و محتویات پرونده و شکایت اولیاءدم مرحوم به شرح منعکس و مضبوط در پرونده و خواسته ایشان و با توجه به کیفرخواست صادره از دادسرای ویژه امور جنایی و جرایم امنیتی شیراز و با عنایت به این خلاصه که صورتجلسه تنظیمی از سوی مامورین پلیس 110 کلاشتری 13 عباسیه، در تاریخ 1397/5/11 ساعت 23:32 دقیقه، حاکی از این است که گزارش یک فقره درگیری منتهی به جرح در آدرس شیراز دروازه شاه دایی کوچه 2 به پلیس 110 اعلام و مامورین در پی گزارش، به محل حادثه اعزام و مشاهده نموده اند که آمبولانس در وسط کوچه توقف کرده و شخص مجروح به هویت حسن ترکمان توسط عوامل اورژانس به داخل آمبولانس منتقل و خانواده مضروب اعلام کرده اند. که حسن ترکمان سرکوچه ورودی خیابان دروازه شاه دایی ایستاده بوده که یک دستگاه موتور سیکلت دو ترک ناشناس به حسن ترکمان حمله کرده و با چاقو وی را مضروب کرده اند آثار جراحت نیز بالای گوش سمت چپ و پشت از ناحیه کتف و سمت چپ کمر مشهود بوده که صورتجلسه شده است. با توجه به فوت مضروب جسد ایشان به پزشکی قانونی جهت تعیین علت ناممکن فوت منتقل که نتیجه کالبدگشایی و تعیین علت فوت به حکایت صفحات 19 و 20 بدین شرح است: وضعیت عمومی جسد - دارای دو بریدگی عمیق و طولیل روی سر و بازو - یک بریدگی مورب یک دمه به طول 6 سانتی متر در زیر و پشت گوش چپ دیده می شود که از پشت و عقب به جلو و پائین کشیده شده و نوک برنده آن به طرف پائین و جلو می باشد و آلت جارحه به صورت همزمان منجر به بریدگی به طول 2 سانتی متر در لاله گوش چپ گردیده است. کالبد گشایی بعدی نشان داد که عمق جراحت حدوداً 7-8 سانتی متر است و به ناحیه فوقانی گردن نفوذ کرده و ضمن ایجاد پارگی کامل در شاخه شریان کاروتید خارجی در انتهای ریان به فضای داخلی دهان نفوذ کرده است. این جراحت عمده ترین جراحت موجود است و عامل اصلی فوت تلقی می گردد. بریدگی عرضی یک دمه دیگری به طول 4 سانتی متر در سطح جانبی بازوی چپ دیده می شود که لبه برنده آن به طرف جلو می باشد این بریدگی به عمق حدوداً 6-7 سانتی متر به عضلات زیر بغل چپ نفوذ کرده و جهت نفوذ آن از چپ به راست می باشد و منجر به پارگی عضلات و شاخه های فرعی عروقی گردیده لیکن آسیبی در عروقی اصلی زیر بغلی چپ مشاهده نگردید و به فضای داخلی سینه نفوذ کرده است. این بریدگی و بریدگی لاله گوش چپ نیز علاوه بر آسیب اصلی زیر گوش چپ مسری در فوت تلقی می گردند که همگی در اثر اصابت جسم نوک تیز و برنده ایجاد گردیده اند. " علت فوت نیز خونریزی شدید منقلب بریدگی عروقی جانبی گردن در اثر اصابت جسم نوک تیز و برنده تعیین گردیده است. با توجه به اظهارات آقای مسلم رحیمی به شرح صفحات 28 و 29 و **معمول و سابق** بررسی فنی خطوط تلفن همراه فعال در محل حادثه و همچنین بررسی فیلم دوربین های مدار بسته در تاریخ 1397/5/11 صورتجلسات مامورین (ص 50 و 51) آقایان نوید افکاری و وحید افکاری شناسایی شده و دستگیر شده و به شرح صورتجلسه مواجهه حضوری صفحه 84 آقای نوید افکاری توسط آقای مسلم رحیمی شرح شده است. با توجه به صورتجلسه مامورین به شرح صفحات 112 و 113 و با بررسی های فنی و مخابراتی صورت گرفته با شماره **معمول و سابق** که در تصرف شخصی به هویت آقای سعید ارجمند دشنکی بوده است با





دادگستری کل استان  
فارس

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىَٰ أَنْ تُغْلِبُوا»

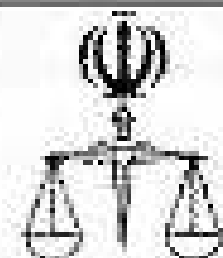
شعبه 1 دادگاه کیفری یک استان فارس  
(چهارم کیفری استان سابق)

شماره دادنامه  
تاریخ تنظیم  
شماره پرونده  
شماره بایگایی شعبه

دادنامه

خطوط تلفن همراه به شماره های [REDACTED] که در تصرف آقای وحید افکاری (متهم ردیف دوم) و [REDACTED] که در تصرف آقای نوید افکاری (متهم ردیف اول) بوده است در بازه زمانی از ساعت 22:15 لغایت 23:15 در آدرس خیابان داریوش در شب حادثه در ارتباط بوده و این دهنی داشته است. آقای سعید ارجمند دشتکی فرزند احمد شناسایی و جلب شده و به شرح اوراق 202 الی 205 توسط مأمورین از ایشان تحقیق و در خصوص قضیه بدین شرح اظهار داشته: «... در مرداد ماه 97 بود که در حال تمرین بودم که پس از تمرین نوید افکاری با من تماس گرفت و گفت کجایی گفتم تمرین بودم تموم شد دارم سرد می کنم برم خونه . گفت میایی با هم بریم اینجا و بیام. گفتم کجا گفت حالا بیو بهت می گم... خلاصه همدیگه رو دیدم و رفتیم توی خیابان وصال ماشین را پارک کردیم که ماشین برادرش بود و برآمد بود و پارک کردیم و رفتیم گفتم کجا می روی چکار داری که رفتیم خیابان زند در آنجا برادرش را هم دیدم و سلام علیکی کردیم و دیدم که مأمور بازار بود و شلوغ بود به دلیل اعتشاشات و نظاهرات که نوید افکاری سونئج ماشین را به من داد و گفت سعید تو برو با ماشین بیو و ماشین رو ببار . من با وحید میام . گفتم مگه وحید وسیله داره گفت با موتور با اون میام گفتم خو چرو سو تا با هم بریم . خلاصه ما رفتیم و در خیابان وصال ماشین را ور داشتیم و زنگ زدیم به نوید که جواب نداد نیم ساعت ربع ساعت یک ساعت هرچقدر زنگ می زدیم جواب نمی داد... تا اینکه نوید زنگ زد جواب دادم. معلومه کجایی چرو جواب نمی دی نه خودت. نه وحید گفت ول کن سعید. سریع بیو خونه. من سریع رفتم به خانه شان و کسی خونشون نبود ما رفتیم داخل . هردو ترسیده بودند. و نوید به من گفت سعید به چیزی میگم بین خودمون باشدها به کسی نگیا. گفت به نفر رو دنبال می کردیم تا سر شا دی الله رفتیم و زدیمش گفتم چه جور چطوری . گفت با رفیقش بود با موتور اونو سر شا دی الله پیاده کرد و ما هم پشت سرش رفتیم و زدیمش و به من گفت که وحید رانندگی می کرد و من (نوید) با کارد زدیمش و سریع اومدیم خونه که برادرش وحید به من گفت سعید این دیگه اینجا تموم شد برای خنده خاطره ده سال بیست سال تا آخر عمر برای کسی تعریف نکنید و باشد تا اینکه چند روز از آن ماجرا گذشته بود و دقایق به یاد ندارم و غروب بود از تمرین داشتیم بر می گشتیم خونه که همان روزم با نوید بودم که گوشیش زنگ خورد جواب داد . نفهمیدم چی می گفتن فقط نوید سریع گفت وحید بود میگه بیو کارت دارم هیچی هم نگفت ... نوید گفت سعید به اتفاق بدی افتاده گفتم چی شد گفت وحید اینا نظرشون اینه که به تو چیزی نگیم ولی من بهت میگم که در جریان باشی گفتم خب مگه چی شده گفت آدمی که اون شب زدیمش مرده . کلی ترسیده بود. که عنو رسوند خونه و گفت با کاکام می ریم ببینیم چکار باید بکنیم چی شده . چون می خواستن من نفهم عنو نبردم ... پس دقیقاً بیان نمائید آن شب واقعه قبل ، وحید و نوید افکاری چه البسه ای به تن داشتید؟ نوید افکاری لباس نایک مشکی که آن را در مسابقات دانشجویان چند سال پیش به بچه ها دادید. بپوشیدم و وحید حضور ذهن ندارم چه لباسی دارد. من دقیقاً نوید افکاری به شما گفت کجا و به چه صورت بوده است؟ نوید افکاری به من گفت که ما فردی را سر شاه دایی الله پس از اینکه رفیقش او را پیاده کرد و رفیقش با موتور سیکلت رفت به دنبالش رفتیم و آن فرد تنها شد و من (نوید) و وحید با موتور سیکلت بودیم که من دو ضربه چاقو به سمت بالای تنه و کتف آن فرد زدیم و فرار کردیم ... نوید اینجوری به من گفت که وحید راننده موتور بود و من با چاقو به آن فرد ضربه زدم... نوید افکاری همان کجا و آنجا ب





«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىَٰ أَنْ تَعْبُدُوا»

شماره دادنامه: ...  
 تاریخ تنظیم: ...  
 شماره پرونده: ...  
 شماره بانکین صفحه: ...

شعبه 1 دادگاه کیفری یک استان فارس  
 (چهارم کیفری استان سابق)

دادگستری کل استان فارس

دادنامه

ه من گفتم که برآمدی حدوداً پنجاه ساله بود که ما آن را زدیم ... آنها با موتور سیکلت رفتند که موتور سیکلت متعلق به وحید افکاری بود که نوید هم سوار می شد که آن زمان واقعه با یک موتور سیکلت مشکلی فرمز بود و پس از چند روز باک موتور سیکلت را تغییر دادند به رنگ مشکلی سبز یا آبی کردند و به طریقی به قصد خودشان می خواستند کسی موتورشان را شناسایی نکنند ... نوید افکاری به من گفت که از چهارراه مشیر یا موتور آن فرد و دوستش را که سوار بر موتور بودند تعقیب کردیم و آنها را از چهارراه مشیر به سمت دروازه آمدند و از دروازه به سمت شاهزاده قاسم وار شاهزاده قاسم به سمت شاه دایی الله رفتند و ما تعقیب آن کردیم و آنها به شاه دایی الله رسیدند و آن فرد رفیقش را پیاده کرد و ما به سمت آن فرد مسن رفتیم و او را زدیم ... نوید افکاری می گفت که آن ادما و دولت ظلم می کنند و من نمی توانم تحمل کنم اینها جنایت می کنند... حدود دو ساعت ده الی یازده شب بود که این اتفاق افتاده بود و من حدود ساعت دوازده شب به خانه آنها رفتم ...» از آقای سعید ارجمند دشتکی توسط بازرس محترم شعبه هشتم دادسرای ویژه امور جنایی و جرائم امنیتی شیراز تحقیق (صفحات 207 الی 215) و نامبرده ضمن شرح ماجرا به شرح صفحه 208 اظهار داشته: «... به داخل رفتم که دیدم وحید و نوید کلافه و آشفتنه و ترس که نوید به من گفت سعید یک نفر رو دنبال کردیم از چهارراه مشیر تا سر شاه دایی الله و با رفیقش بود که با موتور سیکلت بودند و آن شخص را پیاده کرد و وقتی رفیقش رفت پشت سر او رفتیم و او را با چاقو زدیم که وحید موتور میروند و من او را زدیم که وحید برادرش که خیلی ترسیده بود گفت سعید این قضیه همینجا تموم شد برای کسی نگیا . کسی نفهمه ها... که بعد از چند روز ... نوید به من گفت سعید کسی چیزی نفهمه ها کاکاهام میخان به تو نگن . نمیتان تو بفهمی ولی من به تو می گم ولی کسی نفهمه ها به کسی چیزی نگیا که من یکی دو روز بعدش به تهران به اروی نیم ملی رفتم و او به من گفت که آن شب یازده یک نفر رو دنبال کردیم و زدمش گفتم بیا گفت وحید خریدار شده که قوت کرده... تا آن جایی که من اطلاع دارم می گفتند اینها از دولت هستند و ظلم و جنایت می کنند و ما منتظر نمی بشینیم و به خاطر همین انگیزه ای که داشتند یک نفر را دنبال کردید و اینها را زدند (صفحه 210)... باید بگویم که نوید مدتی بود که پس از قتل ترسیده بود و به من گفت اگر یک زمانی تو را گرفتن و در مورد ما از تو سوال کردند بگو آن شب با هم به عروسی قوم و خویش وحید و نوید رفته ایم . حتی همان شبی که قتل رخ داد زمانی که من و وحید و نوید در خانه آنها بودیم قرار بود آنها به عروسی یکی از فامیل هایشان بروند و حتی خانواده آنها به عروسی در صدرا رفته بودند و نوید به وحید گفت به عروسی برویم که وحید گفت من حال و حوصله ندارم و حس و حالش نیست ... وقتی همان شب قتل من به خانه وحید و نوید وارد شدیم دیدم وحید رنگش زرد شده و به نوید گفت چرا اینجوری زدی خیلی ناشی بازی زدی ... (صفحه 215) آقای نوید افکاری فرزند حسین (متهم ردیف اول) به شرح صفحات 216 الی 229 در بخش قضیه و نقش خود به صراحت و با ذکر جزئیات توضیح داده و اظهار داشته: « در آن روز واقعه که در ... (صفحه 97) امسال بود من و برادرم وحید از بلوار زند همدیگر را دیدیم و به سمت چهارراه زند حرکت کردیم و به سمت شرقی از راه می گفتند که عده ای از داخل شلمچه می بیرون می آیند و به سمت مردم می روند ... من از آن راه می رفتم که بعد از رسیدیم به سمت چهارراه مشیر حرکت کردیم و به صورت اتفاقی آن فرد را دیدیم که از آن راه می رفتیم که رفتار و حرکات آن فرد به گونه ای بود که هرکس او را می دید متوجه می شد که فرد آن است و ...»





«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىَٰ أَنْ تَعْبُدُوا»

شماره دادنامه: ...  
 تاریخ تنظیم: ...  
 شماره پرونده: ...  
 شماره بانکین شعبه: ...

شعبه 1 دادگاه کیفری یک استان فارس  
(چهارم کیفری استان سابق)

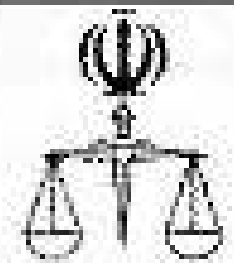
دادگستری کل استان فارس

دادنامه

بعد از گذشت چندین دقیقه آن فرد میان سال به همراه دوستش با موتورسیکلت به سمت چهارراه مشیر و سپس به سمت دروازه کارون حرکت کردند که من به همراه برادرم وحید افکاری با موتورسیکلت که متعلق به وحید افکاری است پشت سر آنها به راه افتادیم . به دروازه کارون که رسیدیم بعدش به سمت شاهزاده قاسم و سپس به سمت شاه دایی الله رفتیم دوست آن فرد میان سال وی را از موتورسیکلت پیاده کرد و رفت. ما هم به دنبال آن فرد میان سال رفتیم . ابتدای شاه دایی الله که آن فرد در حال رفتن بود و هوا بسیار تاریک بود یا موتور از کنار آن فرد رد شدیم که من با کارد آشپزخانه ای که در دست گرفتم به سمت آن فرد میانسال ضربه ای زدم و بعد متوجه شدم که آن فرد میان سال روی زمین نشسته و سپس از داخل محله دروازه شاه دایی الله به سمت خیابان آستانه حرکت کردیم و سپس به منزل ما در بلوار دولت رفتیم . بعد سعید ارجمند ( که یادم نیست من به او رنگ زدم یا نه ) به خانه ما آمد و چون گیج بودیم و نگران سلامت آن فرد میان سال بودیم . تصمیم گرفتیم به آن محل برگردیم که اگر نیازی به کمک باشد انجام دهیم . ولی وقتی به آنجا رسیدیم هیچ کس آنجا نبود و محل تاریک و کاملاً ساکت بود و ما به خانه برگشتیم و بعد از چند روز سعید ارجمند را از جریان اتفاقی افاده با خبر کردم ...س: آیا شما اقدام به قتل مرحوم حسن ترکمان نموده اید؟ بله. من قصد قتل وی را نداشتم ولی او را با چاقو زدم و هیچ گونه قصد نیت قبلی نداشتم ...من هیچ گونه انگیزه و قصدی برای قتل آن مرحوم را نداشتم و حقیقتاً نمی دانم چه شد که من اقدام به چنین کاری کردم و گرنه فکر این را هم نمی کردم که همچین اتفاقی رخ دهد .س: آن روز چه لباسی پوشیده بودید؟ (رنگ و نوع) لباس استن کوتاه مشکی رنگ که از کیوان رضایی گرفتم با طرح خط های افقی طوسی رنگ بر روی سینه و کمر .س: چاقو را از کجا تهیه کردید؟ از خانه (کارد آشپزخانه ) برداشتم. س: آیا اقدام به تعویض باک موتور سیکلت خود نموده اید؟...بله چون باک موتور سیکلت که فرمز رنگ بود سوراخ بود آن را در مغازه تعمیری موتور سیکلت در شاه دایی الله بردم و فردی به نام استاد حسن ان باک را عوض کرد و باک موتور به رنگ مشکی شد(صفحه 219) صورجلسه مامورین به شرح صفحه 231 حکایت از این دارد که فیلم دوربین مداربسته مربوط به سوپرمارکت 110 واقع در خیابان داریوش به رویت آقای سعید ارجمند دشتکی رسیده و نامبرده در خصوص هویت شخص موجود در فیلم که حسب اظهارات صاحب مغازه در شب واقعه در صحنه حضور داشته و حرکات مشکوک داشته ، اظهار داشته \* اینجا فرد تی شرت مشکی و طوسی رنگ و شلوار مشکی طوسی با کفش اسپورت قرمز، نوید افکاری می باشد و این لباس ها لباس هایی که در مسابقات دانشجویی کشتی به او داده اند و الان تن نوید افکاری می باشد و من دقیقاً مطمئن هستم که این نوید افکاری می باشد ...» اوراق پرونده به شرح صفحات 232 الی 240 حکایت از کشف موتور سیکلت و تی شرت استفاده شده توسط متهم ردیف اول در شب حادثه و همچنین شناسایی تعمیرکار موتورسیکلت به نام آقای حسن رضایی فرزند سعیداله دارد. آقای حسن تحقیقی به شرح صفحه 244 و 245 اظهار داشته\*... حدود 10 روز در طول روز بود فردی به نام نوید افکاری که چهره کشتی گیر و ورزشکاری داشت جهت تعویض باک موتور خودش که فرمز رنگ بود به مغازه من مراجعه کرد و من هم باک موتورسیکلت وی را تعویض کردم و باک مشکی رنگ بر روی موتور نصب کردم و اجرت حدود 5 هزار تومان نقدا دریافت کردم...از نظر تخصصی افرادی که باک موتور را تعویض کرده اند به خواسته خودش من باک را تعویض کردم...باک موتور سیکلت وقتی به مغازه مراجعه کرده بود رنگ



«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىَٰ أَنْ تُغْلِبُوا»



دادگستری کل استان فارس

شعبه 1 دادگاه کیفری یک استان فارس  
(چهارم کیفری استان سابق)

دادنامه

شماره دادنامه

تاریخ تنظیم

شماره پرونده 1

شماره بایگایی شعبه 1

فرمز بود و من چون خودش باک خریداری کرده بود یک باک مشکلی رنگ برای وی روی موتور نصب کردم...» صورجلسه مأمورین به شرح صفحه 249 حکایت از این دارد که فیلم دوربین مداربسته مربوط به ساعت 22:50 دقیقه مورخ 1397/5/11 به رویت دوستان کشتی گیر آقای نوید افکاری به اسامی آقایان محمدرضا رستمی و پارسا توکلی و کیوان رضایی و صادق رضایی فرد و علیرضا احمدی ، رسیده و همگی ایشان را شناسایی کرده اند ، پاسخ استعمال از پلیس راهور در خصوص مشخصات موتور سیکلت موضوع پرونده به شرح صفحه 234 حکایت از این دارد که رنگ اصلی موتور سیکلت فرمز و مالک آن نیز آقای وحید افکاری سنگری (متهم ردیف دوم) می باشد . نتیجه معاینه آقای نوید افکاری توسط پزشکی قانونی به شرح صفحه 293 حکایت از این دارد که علائمی از اختلال عمده روانی در وی مشاهده نمی شود و طبق فرائن و شواهد در زمان ارتکاب بزه نیز مبتلا به اختلال روانی نبوده است. صورجلسه مأمورین در تاریخ 97/8/15 به شرح صفحه 356 حکایت از این دارد که متهم نوید افکاری در پی درخواست وکیل خود آقای حمیدرضا جمشیدی اردکانی مبنی بر معرفی ایشان به پزشکی قانونی از حیث وجود آثار ضرب و جرح در پلیس آگاهی و در حضور وکیل خود اظهار داشته که بنده نه تنها مورد ضرب و جرح قرار نگرفته ام حتی هیچ گونه توهینی نیز به بنده صورت نگرفته است (منفی) و نیاز به معرفی به پزشکی قانونی را ندارم. که در پی این اظهارات وکیل نامبرده نیز که حضور داشته است اعلام داشته که نیاز به معرفی به پزشکی قانونی نیست. در تاریخ 1397/8/13 محنه قتل توسط آقای نوید افکاری و با حضور بازپرس شعبه هشتم و مأمورین و به شرح صفحات 365 الی 370 بازسازی و نامبرده در این جلسه نیز به صراحت به شرح قضیه و نحوه ایراد جرح عمدی با جاقو نسبت به مرحوم حسن ترکمان پرداخته است. متهم در بخشی اظهار داشته... اینجا خیابان داریوش نرسیده به چهارراه زند است... داخل اون باعجه بود جلوی سوپری... اینجا جلوی سوپری 110 هی می رفتم بالاتر و هی می آمدم ...مرحوم آن طرف خیابان بود یا دوستش روی آن صندلی نشسته بودند ...مردی حدودا 55-60 ساله بود با قدی حدود 170 سانتی متر یکم جاقی با موهای تقریبا سفید س: بعد چگونه یا برادرت هماهنگ شدی؟ من یکی دو بار دقیق یادم نیست چندبار یا هم تماس گرفتیم . تماسی که گرفتم مرحوم با دوستش به چیزی خوردن و بلند شدن رفتن سوار موتور شدن به سمت چهارراه مشیر من رنگ به برادرم زدم و گفتم اونا رفتن بریم...دیگه ما اومدیم و برادرم از کنارش رد میشد با موتور یعنی راننده بود بعد اینجاها که رسیدیم از پشت سر رسیدیم بهمش ...راننده وحید بود و من ترک نشین بودم ...س: به گجای مرحوم ضربه زدید ؟ به بالائنه مرحوم به سمت کتفش و وقتی که زدم فکر نمی کردم که جاقو نشسته باشد در بدنش و همانطور که در حال رفتن بودیم یک ثانیه برگشتم به عقب نگاه کردم که دیدم مرحوم نشسته است و به ما نگاه می کند که دیگر ما رفیم . به گارد آشپزخانه یا دسته پلاستیکی که نیغه آن نیز لوی بود به رنگ سفید&quot&quot&quot; به شرح صفحات 404 الی 405 توسط بازپرس شعبه هشتم از آقای وحید افکاری فرزند حسین (متهم ردیف دوم) تحقیق و نامبرده اظهار داشته: « در تظاهرات یازدهم مرداد نود و هفت در تجمعات بودیم که آقای حسن ترکمان و سلام با مأمورین شناسایی کردم...س: به چه دلیل قصد زدن مرحوم حسن ترکمان را داشتی؟ در زمان کردیم که نامبرده مأمور نظام است» س: از کدام مسیر مرحوم حسن ترکمان را تعقیب کردی؟ در خیابان داریوش-خیابان فانی کهنه -شاهزاده قاسم-و بعد دروازه شاه دایی .س: نوید چند ضربه به مرحوم زد





دادگستری کل استان  
فارس

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىَٰ أَنْ تُغْلِبُوا»

شعبه 1 دادگاه کیفری یک استان فارس  
(چهارم کیفری استان سابق)

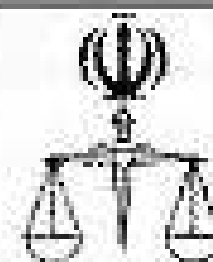
شماره دادنامه: ...  
تاریخ تنظیم: ...  
شماره پرونده: ...  
شماره بایگایی شعبه: ...

دادنامه

2؟ ضربه س:ضربه را از کدام سمت زد؟ ضربه اول را از پشت سر ، دومی را فکر کنم وقتی مرحوم برگشت زد س:آیا شما اطلاع داشتید نوید قصد زدن مرحوم را دارد (نوید افکاری)؟ بله س:چاقویی که مرحوم حسین ترکمان به قتل رسید متعلق به چه کسی بود؟ متعلق به منزل بود و من آوردمش س:به چه انگیزه ای در قتل مرحوم حسین ترکمان معاونت نمودید؟ انگیزه امر تسویه حساب شخصی بود و اینکه حدس زدم مأمور حکومتی است&amp;amp;amp;amp;quot& حالیه با عنایت به خلاصه اظهارات و اقرار منتهمن و اظهارات مطلعین که به آنها نیز اشاره گردید و وجود قرائن و امارات مضبوط و منعکس در پرونده از جمله حضور منتهمن در صحنه اولیه و مسیرهای حرکت مرحوم از خیابان داریوش تا محل برخورد منتهمن و مرحوم که منتهمی به ایراد جرح عمدی با چاقو از سوی متهم ردیف اول شده است که این مهم با بررسی خطوط تلفن مورد استفاده منتهمن و همچنین فیلم دوربین های مدار بسته محل ، که متهم ردیف اول در آن مشاهده می شود اجراز گردیده که مشاهدات آقای مسلم رحیمی و همچنین رویت فیلم مداربسته توسط دوستان کشتی گیر متهم ردیف اول نیز موید حضور ایشان در صحنه است و همچنین تغییر پاک و بطلی های موتور سیکلت توسط متهم ردیف اول از رنگ اصلی آن که قرمز بوده است به رنگ مشکی که این اقدام نیز با توجه به رنگ اصلی موتور سیکلت و تغییر آن به رنگ دیگر به قصد عدم شناسایی و مخفی کردن هویت خود صورت گرفته است و اظهارات آقای سعید ارجمند دشتکی که در شب حادثه در منزل منتهمن حضور داشته و در خصوص ضربه و تعقیب مرحوم توسط منتهمن و ایراد ضرب و جرح عمدی با چاقو و همچنین انگیزه منتهمن از این اقدام را از زبان ایشان نقل قول نموده است که به آن نیز اشاره گردید و منطبق بودن اقرار منتهمن با واقعیت امر از جمله تعقیب مرحوم از خیابان داریوش تا محل اصابت چاقو که شاه دایی الله بوده و محل اصابت چاقو و نحوه زدن آن را به صراحت و دقیق بیان کرده اند حتی در خصوص انگیزه خود نیز بیان داشته اند که با این تصور که مرحوم از نیروهای دولتی است و ظلم می کند اقدام به این کار کرده ایم ، منتهمن در جلسه دادگاه و با این ادعا که در مراحل تحقیقات اولیه تحت فشار بوده و شکنجه شده اند از دفاع در راستای اتهام نفهمی خودداری کرده و وکلای تسخیری خود را نیز از دفاع منع کردند و در اوابخ تقدیمی به دادگاه نیز به کرات این ادعا را مطرح که در تحقیقات تحت فشار و شکنجه بوده اند و این در حالی است که متهم ردیف دوم (آقای وحید افکاری سنگری) از ابتدای تحقیقات منکر هرگونه اقدام از سوی خود شده و به گفته خودش از حق سکوت استفاده می کرده و از امضاء صورتحلیسات نیز امتناع کرده است و نهایتاً به شرح صفحات 404 الی 416 نزد بازپرس دادسرا و با دستخط خود به بیان ماجرا پرداخته است و متهم ردیف اول نیز حسب صورتحلیسه مأمورین به شرح صفحه 356 و در حضور وکیل خود اظهار داشته &amp;amp;amp;quot& که بنده نه تنها مورد ضرب و جرح قرار نگرفته ام حتی هیچ گونه نوهینی نیز به بنده صورت نگرفته است و نیاز به معرفی به پزشکی قانونی را ندارم&amp;amp;amp;amp;quot& که با این وصف به نظر می رسد منتهمن تحت تاثیر آموزش و تبلیغات با این تصور که ممکن است با انکار واقعیت ، موجبات رهایی خود را از مجازات فراهم نمایند به جرات و در راستای نفهم اتهام، به ایراداتی پرداخته اند که تاثیر در موضوع مانحن فیه نداشته است و دادگاه با عنایت به مراتب پیش گفته و مجموع اوراق و محتویات پرونده و گواهی پزشکی قانونی و گزارش کالبدگشایی جسد مرحوم حسین ترکمان ارائه گردیده و شکایت همگی اولیادمر مرحوم و خواست اجتناب از مجازات







دادگستری کل استان  
فارس

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىَٰ أَنْ تَعْبُدُوا»

شعبه 1 دادگاه کیفری یک استان فارس  
(چهارم کیفری استان سابق)

دادنامه

شماره دادنامه

تاریخ تنظیم:

شماره پرونده 1

شماره بایگایی شعبه :

ل از علم متعارف ناشی از وجود فرائین و امارات مفید و موجد علم، و احراز قصد منتهین مبنی بر قتل عمدی مرحوم به لحاظ اقدام منتهین از ابتدا تا آخرین مرحله، از جمله برداشتن چاقو از منزل به همین قصد و نیت و انگیزه منتهین مبنی بر اینکه مرحوم از عوامل دولتی است و ظلم می کنند و تعقیب مرحوم از ابتدا تا انتهای مسیر و نحوه زدن چاقو و محل اصابت آن که به ناحیه گردن مرحوم و زیر بغل چپ مرحوم بوده است و با عنایت به عمق جراحت که حکایت از نفوذ تیغه چاقو به عمق 7-8 سانتی متر به ناحیه فوقانی گردن دارد و عمق جراحت زیر بغل نیز 6-7 سانتی متر بوده که هر دو جراحت حکایت از قصد قتل داشته چرا که در غیر این صورت جراحات به صورت سطحی و به نواحی غیرکشنده بدن وارد می شد و متهم ردیف دوم که از ابتدا تا انتها با متهم ردیف اول (مباشراً) همراه بوده و به گفته خودش چاقو را ایشان از آشپزخانه منزل برداشته و در زمان تعقیب مرحوم رانندگی موتورسیکلت را برعهده داشته است و با این اوصاف و قصد ایشان به نحوی وقوع جنایت را تسهیل نموده است و با توجه به احراز سبق تصمیم، بزه انتسابی به هر دو متهم علماً محرز و مسلم است و دادگاه بر این اساس و باتوجه به خواسته اولیادام و استناد به مواد 211، بندالف ماده 290 و مواد 301-351-126-127-417-381 قانون مجازات اسلامی مصوب 1392 متهم ردیف اول آقای نوید افکاری را از حیث مباشرت در قتل عمدی مرحوم حسن ترکمان به قصاص نفس در حق اولیادام مرحوم و متهم ردیف دوم آقای وحید افکاری سنگری را از حیث معاونت در قتل مرحوم به تحمل بیست و پنج سال حبس تعزیری با احتساب ایام حبس سابق محکوم و اعلام می نماید. اولیادام مرحوم می توانند پس از انجام تشریفات قانونی و اذن مقام معظم رهبری یا مقام مآذون از سوی معظم له نسبت به اجرای قصاص نفس اقدام نمایند. رای صادره حضوری و ظرف مدت بیست روز پس از ابلاغ قابل فرجام خواهی در دیوان محترم عالی کشور می باشد.

مسئولان شعبه اول دادگاه کیفری یک استان فارس

مهرداد تهمین وحید اسدی

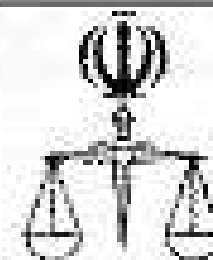


خبرگزاری هرا

اعضای هیات کتبه

نماینده: استان فارس - شیراز - میدان اله (گلبرج) - ابتدای بلوار شهید شیرودی

«فَلَا تُبْعَثُوا أَنهْوِي أَنْ تُعْلَمُوا»



دادگستری کل استان  
فارس

شعبه 1 دادگاه کیفری یک استان فارس  
(چهارم کیفری استان سابق)

دادنامه

شماره دادنامه

تاریخ تنظیم:

شماره پرونده 1

شماره بایگایی شعبه :



فهرگزاری شرفا

نصفانی: استان فارس - شیراز - میدان اله (کلیسرخ) - ابتدای بلوار شهید مطهری